



مفهوم شناسی اختلاس و احتکار از منظر فقه و حقوق کیفری

فونت بی تیترا ۲۲: Commented [ar2]

حوزه علمیه شهید طباطبایی نژاد اصفهان

فونت بی تیترا ۱۵: Commented [ar3]

محقق: محمد حسن اسلامی

فونت بی تیترا ۱۶: Commented [ar4]

شماره پرونده مرکز مدیریت: ۸۸۲۱۹۰۷۵

فونت بی تیترا ۱۶: Commented [ar5]

پایه ۸

فونت بی تیترا ۱۴: Commented [ar6]

بهار ۱۳۹۹

فونت بی تیترا ۱۴: Commented [ar7]

بعد از صفحه مشخصات، بسم الله در يك صفحه
مجزا قرار ميگيرد.
فونت و شكل آن تفاوتی ندارد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به:

محضر مقدّس ائمّه اطهار علیهم السلام، آن نورهایی که با آمدنشان از عرش به فرش بر خاکیان منت نهادند؛ علی الخصوص حضرت صاحب العصر والزّمان؛ حجّة ابن الحسن العسكري (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

تقدیم اختیاری است: [۱۹۹] Commented

با تقدیر از

پدر و مادر عزیزم، به پاس تمامی زحماتی که برای بنده کشیدند تا بدین مرحله از زندگی برسم. دو فرشته زمینی که با گرمای امیدبخش وجودشان بهترین پشتیبانم بوده اند.

Commented [ar10]: تقدیر و سپاس اختیاری است

چکیده

جرائم اقتصادی از آن دسته جرایمی محسوب می شوند که در دوره های مختلف به تناسب مشکلات اقتصادی موجود در جامعه، همواره مورد توجه فقها و حقوقدانان قرار داشته است. زیرا هر چه وابستگی انسان به اقتصاد بیشتر می شود، آماده کردن جامعه برای فعالیت های اقتصادی سالم و جلوگیری از مفاسد آن نیز اهمیت بیشتری پیدا می کند. یکی از مهم ترین وظایف قوه مقننه در کشور، شناسایی این گونه جرایم و مقابله با آن هاست. اهمیت این مساله در آن است که با روشن شدن مفهوم این دو پدیده در فقه امامیه و از منظر حقوقی مشخص می شود این دو جرم دارای چه مصادیقی در خارج است و احيانا در صورت تفاوت میان دیدگاه فقهی و حقوقی این مساله جای برای پژوهش های آتی در زمینه رفع این تعارض را باز می کند. پرسش اصلی در این نوشتار چگونگی تبیین مفهوم اختلاس و احتکار در فقه و حقوق کیفری است؟ این نوشتار با استفاده از روش کتابخانه ای به جمع آوری اطلاعات و مطالب پرداخته و با روش تحلیل داده ها، به سوالات اصلی و فرعی پاسخ داده است. نتایج حاصله از تحقیق حاضر نشان می دهد مفهوم اختلاس و احتکار در اصطلاح فقهی و حقوقی دارای تفاوت ماهوی نیستند و جایگاه هر یک از این دو عمل در آیات و روایات روشن است به عبارت دیگر مفهوم اختلاس و احتکار مفاهیمی نزدیک به هم است که در مورد اولی بستر جرم در مناصب حکومتی و در مورد دوم بستر آن برای عوام مردم مجبا است.

Commented [ar1]: چکیده باید حداکثر در ۲۵۰ کلمه و در یک پاراگراف نوشته شود و مشمل بر تعریف مسئله، بیان ضرورت، سوال اصلی، روش تحقیق و نتیجه حاصله است.

Commented [ar1]: ابتدای هر پاراگراف باید تورفتگی داشته باشد. اینکار را با استفاده از تنظیمات خودکار ورد انجام دهید نه بصورت دستی. شیوه انجام آن را در گوگل سرچ کنید.

Commented [ar1]: تعریف مساله

Commented [ar1]: اهمیت و ضرورت

Commented [ar1]: پرسش اصلی

Commented [ar1]: روش تحقیق

Commented [ar1]: نتایج حاصله

کلید واژه

اختلاس، احتکار، فقه، حقوق کیفری، جرائم اقتصادی

Commented [ar1]: کلیدواژه بعد از چکیده در یک سطر جداگانه نوشته می شود و تعداد آن باید بین ۵ تا ۷ کلمه باشد

فهرست

فهرست مطالب باید با استفاده از مکانیزم [ar19] Commented
برنامه ورد به صورت خودکار تنظیم شود. شیوه انجام آن را در گوگل
سرچ کنید

۱	مقدمه.....
۲	فصل اول: کلیات و مفاهیم.....
	۱- کلیات Error! Bookmark not defined.
۳	۱-۱- بیان مسئله.....
۳	۱-۲- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش.....
۴	۱-۳- سؤالات تحقیق.....
	۱-۴- پیشنهاد تحقیق..... Error! Bookmark not defined.
۵	۲- مفاهیم.....
۵	۲-۱- حقوق کیفری.....
۶	۲-۲- فقه.....
۹	فصل دوم: مفهوم احتکار از منظر فقه و حقوق کیفری.....
۱۰	۲-۱- احتکار در واژه شناسی.....
۱۱	۲-۲- احتکار در اصطلاح فقهی.....
۱۱	۲-۳- احتکار در اصطلاح حقوقی.....
۱۲	۲-۴- پیشینه تاریخی حقوقی احتکار.....
۱۳	۲-۵- مصادیق احتکار.....
۱۴	۲-۶- شرایط احتکار.....
۱۴	۲-۷- احتکار در آیات قرآن.....
۱۶	۲-۸- احتکار در روایات.....
۱۷	۲-۹- عناصر جرم احتکار.....
۱۸	۲-۹-۱- عنصر قانونی.....
۱۸	۲-۹-۲- عنصر مادی.....

۱۸.....	۲-۹-۳- عنصر معنوی.....
۱۹.....	۲-۹- جمع بندی.....
۲۰.....	فصل سوم: مفهوم اختلاس از منظر فقه و حقوق کیفری.....
۲۱.....	۳-۱- اختلاس در قرآن.....
۲۲.....	۳-۲- اختلاس در سنت.....
۲۴.....	۳-۳- نظریات فقها درباره اختلاس.....
۲۵.....	۳-۴- بررسی حقوقی اختلاس.....
۲۵.....	۳-۴-۱- عنصر قانونی جرم اختلاس.....
۲۵.....	۳-۴-۲- عنصر معنوی.....
۲۶.....	۳-۴-۲- عنصر مادی جرم اختلاس.....
۲۶.....	۳-۴-۲-۱- موضوع جرم.....
۲۶.....	۳-۴-۲-۲- سبب مرتکب.....
۲۷.....	۳-۴-۲-۳- سبب اختلاس.....
۲۷.....	۳-۴-۲-۴- عنصر ضرر.....
۲۸.....	۳-۵- جمع بندی فصل سوم.....
Error! Bookmark not defined.	نتایج پژوهش.....
۳۰.....	پیشنهادها.....
۳۱.....	فهرست منابع.....

مقدمه

جرایم مالی و اقتصادی در هر کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند. اختلاس و احتکار دو مصداق از این دسته جرایم بشمار می روند که در همه کشورها مشاهده می شوند. جرم اختلاس اختصاص به کارکنان دولت دارد، اما بزه احتکار از هر فردی اعم از اینکه کارمند دولت باشد یا خیر، می تواند سر بزند. از این رو برای جلوگیری از ارتکاب جرم اختلاس لازم است در شیوه انتخاب و استخدام کارکنان دولتی که سرمایه های یک جامعه در اختیار آنان قرار می گیرد، دقت کافی بعمل آید. در خصوص جرم احتکار نیز ضرورت دارد کلیه افراد جامعه به خصوص کسانی که جایگاه اقتصادی مناسبی دارند و از نفوذ بالایی در بازار برخوردار هستند نسبت به سرانجام و مجازات این جرم بیش از پیش آگاه گردند تا به سراغ احتکار کالاهایی که مورد نیاز مردم جامعه هستند نروند.

با توجه به مطالب فوق و وضوح اهمیت بحث از جرایم مذکور، مقاله حاضر تحت عنوان بررسی احتکار و اختلاس از منظر فقه و حقوق کیفری به نگارش درآمده است. این مقاله در سه فصل تنظیم شده است. فصل اول آن به بیان کلیات و مفاهیم پرداخته است؛ فصل دوم پیرامون اختلاس از منظر فقه و حقوق مباحثی را مطرح نموده و در فصل پایانی نیز به بیان احتکار از منظر فقه و حقوق اختصاص دارد.

جرم اختلاس و احتکار رابطه مستقیم با پیمان کردن حقوق مردم دارد. زیرا اختلاس گر اموالی که متعلق به عموم افراد جامعه است را به نفع خود مصرف کرده و از راه نامشروع به مالکیت خود در می آورد. شخص محترک نیز با احتکار کالاهای ضروری جامعه، موجب سلب آسایش از زندگی افراد را فراهم کرده و آن ها را در تنگنای اقتصادی قرار می دهد. از این رو ضرورت دارد مطالب و مباحث مربوط به جرایم مذکور با دقت مورد بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است که از اساتید گرامی خود که اینجانب را با رهنمودها و راهنمایی های خود در تهیه و نگارش تحقیق حاضر یاری نمودند، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

Commented [ar۰]: مقدمه دربردارنده معرفی اجمالی موضوع، عناوین فصول، انگیزه اهتمام به موضوع و قدردانی از اشخاص است.

Commented [ar۱]: معرفی اجمالی موضوع

Commented [ar۲]: عناوین فصول

Commented [ar۳]: انگیزه اهتمام به موضوع

Commented [ar۴]: شماره گذاری صفحات از صفحه مقدمه آغاز می شود و صفحات پیش از آن یا اصلاً شماره گذاری نمیشود یا از حروف ابجد باید استفاده شود.

Commented [ar۵]: قدردانی از اشخاص

فصل اوّل:

کلیات و مفاهیم

فصل اول به دو بخش تقسیم می شود: **Commented [ar76]:**
۱- کلیات. که دربردارنده بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، سؤالات اصلی و فرعی، فرضیات(در صورت لزوم) و پیشینه تحقیق می شود

الف) کلیات

۱- بیان مسئله

اختلاس و احتکار به عنوان دو فقره از جرایم اقتصادی و از مصادیق فساد مالی در کلیه کشورها مطرح می باشد که در قوانین هر کشوری این دو عمل جرم انگاری شده و برای آن مجازات مقرر شده است. در عصر کنونی با توجه به این که بخش عظیمی از سرمایه ها و اموال موجود در یک کشور به منظور بهبود روابط اجتماعی و بهره مند شدن تمامی افراد یک جامعه از نعمات موجود در طبیعت، در اختیار کارکنان دولت قرار می گیرد، لزوم بررسی و تحلیل این جرایم بیش از گذشته می باشد. زیرا زمینه ارتکاب آن در نظام اداری فعلی افزایش یافته است.

اموالی که در اختیار کارکنان دولت قرار می گیرد همواره با این خطر مواجه است که مورد استفاده غیرقانونی قرار گیرد و از آن بهره برداری شخصی شود. از این رو قانون گذار به منظور جلوگیری از سوء استفاده کارکنان دولت از سرمایه هایی که در اختیار آن ها قرار می گیرد، قوانینی را در این راستا تصویب کرده است تحت عنوان «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری» تا از سرمایه ها و اموال دولتی حمایت نماید.

مسئله احتکار نیز به همین شکل می باشد. بدین معنا که در زمان کنونی یکی از موضوعات مهمی که می تواند اقتصاد کشور را به چالش بکشد، همین موضوع احتکار است. مسئله ای که در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز وجود داشته است و در آن زمان ها نیز افرادی بوده اند که برای سود بیشتر خود، کالا را انبار می کردند تا گران تر بفروشند. در واقع احتکار علاوه بر این که نوعی ضایع ساختن حق افراد می باشد، باعث ایجاد مشکلات اقتصادی دیگری از جمله تورم نیز می شود. زیرا سبب کمبود یک کالا در بازار شده و در نتیجه قیمت آن بصورت نامتعادل افزایش می یابد. در نهایت در نظام اقتصادی جامعه اختلال ایجاد می شود. به همین دلیل ضروری است دو مسئله احتکار و اختلاس از منظر فقه و حقوق کیفری مورد بررسی قرار گیرد تا آگاهی بیشتری نسبت به ماهیت و مفهوم این دو عمل و جایگاه آن ها در فقه و حقوق تحصیل گردد.

۲- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

احتکار و اختلاس به عنوان دو عملی که در فقه حرام دانسته شده و در قانون نیز جرم انگاری شده و مجازات برای آن مقرر گشته است، جزء جرایمی هستند که رابطه مستقیم با حقوق فردی و اجتماعی مردم دارند. در صورتی که شخص دست به بزه احتکار بزند، موجب می شود افراد جامعه در تنگنای اقتصادی قرار گیرند و از نظر معیشتی دچار مشکل شوند. در نتیجه منجر به ایجاد اختلال در نظام جامعه می شود. جرم اختلاس نیز به همین صورت است و فرد مختلس در اموال عمومی جامعه به سود خود تصرف می نماید. اموال عمومی که حق تمامی افراد جامعه می باشد و همه مردم باید از آن بهره مند گردند. در حقیقت اختلاس گر حق تمامی مردم را ضایع نموده است. از این رو

ضرورت دارد این دو جرم از منظر فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرند و میزان مجازات آن‌ها روشن گردد تا افراد از اقدام به این دو عمل مجرمانه خودداری کنند.

۳- پیشینه موضوع

احتکار و اختلاس از زمان‌های قدیم در جوامع بشری وجود داشته است. به گونه‌ای که در روایات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مشاهده می‌شود که دستور برخورد با محتکران را صادر نموده است و یا در نامه حضرت علی (علیه السلام) به مالک اشتر می‌بینیم ایشان به وی فرمان می‌دهد جلوی اختلاس را باید بگیرد. همچنین امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از به دست گرفتن حکومت اسلامی به تمامی افرادی که در زمان خلیفه سوم از بیت المال اختلاس کرده بودند دستور می‌دهد اموال خود را باید به بیت المال بازگردانند.

با توجه به جایگاه ویژه‌ای و تأثیر مهمی که این دو عمل در جامعه دارند، در فقه و حقوق کیفری ایران مباحثی پیرامون آن‌ها مطرح گشته است و مجازات مختلس و محتکر نیز مشخص گردیده است. در اکثر کتب فقهی درباره این دو مسئله علی‌الخصوص احتکار مباحثی بیان شده است. در کتب حقوق جزایی و کیفری نیز به صورت مفصل در این باره سخن به میان آمده است.

در بین محققان و اندیشمندان نیز مقالات و کتب متعددی در این زمینه به نگارش درآمده است؛ اما هیچ‌یک از آن‌ها بصورت همزمان به بررسی فقهی و حقوقی احتکار و اختلاس نپرداخته‌اند. غالباً جداگانه از این دو عمل بحث کرده‌اند. اما در مقاله حاضر توأمان به بررسی دو جرم اختلاس و احتکار از منظر فقه و حقوق کیفری پرداخته شده است. این وجه تمایز و نوآوری تحقیق حاضر نسبت به سایر تحقیقات انجام شده در این موضوع می‌باشد.

به تعدادی از تحقیقات انجام گرفته در این زمینه در ذیل اشاره می‌شود:

۱. گلشنی، محمد (۱۳۸۲.ه.ش)، بررسی احتکار در فقه و قوانین موضوعه.

در این اثر به بررسی مفهوم احتکار از منظر فقه و قوانین مدون جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است و پس از تبیین مفهوم لغوی این واژه، آن را از منظر فقه و سپس در قوانین اسلامی مورد تحقیق و پژوهش قرار داده و ابعاد آن را تبیین نموده است.

۲. محمودی گلپایگانی، سید محمد (۱۳۸۴.ه.ش)، بررسی حقوقی احتکار و قیمت گذاری.

این اثر به بحث پیرامون مسئله احتکار پرداخته و مشخصاً درباره قیمت گذاری کالاهای احتکار شده‌ای که توسط حکومت اسلامی کشف می‌شوند به تحلیل و بررسی پرداخته است.

در قسمت پیشینه باید به پژوهش‌هایی که در **Commented [ar7V]:** خصوص موضوع مورد بحث انجام شده است اشاره شود و وجه تمایز مقاله شما با آثار مشابه خود مشخص گردد.

۳. محمدنژاد، پرویز (۱۳۸۱ه.ش)، اختلاس، دزدی از جیب دولت.

این پژوهش با این نگرش که اختلاس، دزدی از جیب دولت است، وارد بحث شده و اختلاس را از منظر لغت و اصطلاح فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار داده است.

۴. نره ئی، ضرغام (۱۳۹۳ه.ش)، جرم انگاری اختلاس در نظام کیفری ایران.

نگارنده در این اثر خود به تبیین دلایل جرم انگاری اختلاس در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران پرداخته و این جرم اقتصادی را در نظام کیفری ایران مورد بررسی قرار داده است.

بررسی آثار منتشر شده در خصوص موضوع مورد بحث نشان می دهد وجه تمایز مقاله حاضر نسبت به پیشینه در این است که این نوشتار به بررسی همزمان دو جرم اختلاس و احتکار در فقه و حقوق پرداخته است؛ در حالی که در آثار مشابه و مرتبط با این موضوع غالباً به صورت جداگانه این دو جرم را مورد تحلیل و تبیین قرار داده اند. بنابراین مقاله حاضر از نوآوری برخوردار است.

۴- سؤالات تحقیق

سؤال اصلی:

۱. اختلاس و احتکار از منظر فقه و حقوق کیفری دارای چه مفهومی می باشد؟

سؤالات فرعی:

۱. اختلاس و احتکار از منظر لغوی دارای چه مفهومی می باشند؟

۲. اختلاس از منظر فقه دارای چه مفهومی می باشد؟

۳. احتکار از منظر حقوق کیفری دارای چه مفهومی می باشد؟

ب) مفاهیم

در این مبحث به بررسی برخی از اصطلاحات پرداخته می شود که به نوعی در خدمت این تحقیق می باشند و کاربرد بسیاری در مقاله پیش رو دارند.

۱- حقوق کیفری

حقوق کیفری بعنوان یکی از شاخه های حقوق عمومی محسوب می شود که به بررسی اواع جرائم و نحوه مجازات هر یک از آن ها می پردازد. تعاریف مختلفی برای حقوق کیفری ذکر شده است. اما جامع ترین آن ها

Commented [ar78]: وجه تمایز مقاله حاضر با آثار مشابهی که در پیشینه مورد اشاره قرار گرفته است

Commented [ar79]: سؤال اصلی در واقع همان عنوان مقاله است که به صورت پرسشی مطرح می شود

Commented [ar30]: سؤالات فرعی در حقیقت سرفصل های مقاله هستند که به صورت پرسشی مطرح می شوند. بنابراین تعداد فصول مقاله و سؤالات فرعی باید یکسان باشند.

Commented [ar31]: در قسمت مفاهیم باید واژه های کاربردی که مقاله بر محوریت آنها بنا گردیده است را از نظر کتب لغت و اصطلاح علوم مرتبط با هر واژه بررسی شود.

عبارت است از این که: حقوق کیفری عبارت است از حقوقی که موضوع آن مطالعه جرائم و اعمال ضد اجتماعی و قواعد حاکم بر واکنش دولت به آن ها به منظور برقرار ساختن نظم و امنیت است.^۱

حقوق کیفری شامل دو شاخه حقوق کیفری عمومی و اختصاصی می شود. حقوق کیفری عمومی مسائلی از قبیل تعریف جرم، عناصر تشکیل دهنده جرم، اقسام جرم، انواع مجازات ها و نحوه اعمال کردن آن ها، علل مخففه جرم و اقدامات تربیتی را مورد بررسی قرار می دهد. در مقابل، حقوق کیفری اختصاصی مجموعه مقرراتی است که ویژگی های اختصاصی مربوط به هر یک از جرائم را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داده و ارکان هر یک از آن ها و مجازات آن را بیان می کند. این شاخه از حقوق شامل جرائمی مانند قتل، سرقت، کلاهبرداری، جاسوسی و ... می شود.^۲

۲- فقه

یکی از شاخه های فقهی مهم در جهان اسلام فقه شیعه است، شیعه، گرایشی ویژه در اسلام بر اساس دیدگاه های کلامی ویژه است که به نیابت علی ابن ابی طالب بعد از پیامبر اسلام باور دارد و ایشان را جانشین منتخب و الهی پیامبر اسلام می داند از این رو در مبانی فقهی بر اساس فرامین ایشان و جانشینان ایشان رفتار می کند. مهم ترین منابع فقه شیعی به ترتیب سال نگارش عبارتند از:

- ۱- المقنع (شیخ صدوق م ۳۸۱ ه.ق)
- ۲- المقنعه (شیخ مفید م ۴۱۳ ه.ق)
- ۳- الاختصار (سید مرتضی م ۴۳۶ ه.ق)
- ۴- الکافی فی الفقه (ابوالصلاح حلبی م ۴۴۷ ه.ق)
- ۵- المراسم العلویه (سلار بن عبدالعزیز م ۴۴۸ ه.ق)
- ۶- الخلاف، المبسوط و النهایه (شیخ طوسی م ۴۶۰ ه.ق)
- ۷- الجواهر فی الفقه (قاضی عبدالعزیز بن برآج م ۴۸۱ ه.ق)
- ۸- اصباح الشیعه بمصابیح الشریعه (اواخر قرن پنجم)

^۱ اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ص ۸۴

^۲ همان، ص ۸۶

ارجاعات فقط باید به صورت برون متنی و در: **Commented [ar۳۲]:** پاورقی ذکر شوند. به این صورت که:

نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، ناک کتاب، شماره جلد، شماره صفحه

در صورتی که از یک منبع دو بار پشت سرهم **Commented [ar۳۳]:** استفاده کنید، در مرتبه دوم برای ارجاع دادن از عبارت همان بجای مشخصات نویسنده و کتاب استفاده کرده و سپس شماره جلد و صفحه را ذکر کنید.

- ٩- الوسيلة الى نيل الفضيلة (ابن حمزه زنده در ٥٦٦ ه.ق)
- ١٠- غنية التزوع (ابن زهره م ٥٨٥ ه.ق)
- ١١- السرائر الحاوى لتحرير الفتاوى (ابن ادريس م ٥٨٩ ه.ق)
- ١٢- شرايع الاسلام (محقق حلى م ٦٧٦ ه.ق)
- ١٣- كشف الرموز (حسن بن ابى طالب آبى زنده در ٦٧٢ ه.ق)
- ١٤- جامع الشرايع (يحيى بن سعيد م ٥٨٩ ه.ق)
- ١٥- ارشاد الاذهان، تبصرة المتعلمين، تحرير الاحكام الشرعية، تذكرة الفقهاء، قواعد الاحكام، مختلف الشيعة، منتهى المطلب، نهاية الاحكام. (علامه حلى م ٧٢٦ ه.ق)
- ١٦- ايضاح الفوائد. (فخر المحققين م ٧٧١ ه.ق)
- ١٧- الدروس الشرعية، ذكرى الشيعة، اللمعة الدمشقية، الألفية، القواعد والفوائد. (شهيد اول م ٧٨٦ ه.ق)
- ١٨- التنقيح الرائع (فاضل مقداد م ٨٢٦ ه.ق)
- ١٩- المهذب البارع (ابن فهد م ٨٤١ ه.ق)
- ٢٠- جامع المقاصد (محقق كركى م ٩٤٠ ه.ق)
- ٢١- مسالك الافهام، الروضة البهية (شهيد ثانى م ٩٦٦ ه.ق)
- ٢٢- مجمع الفائدة و البرهان (مقدس اردبيلى م ٩٩٣ ه.ق)
- ٢٣- مدارك الاحكام (محمد بن على موسى عاملى م-١٠٠٩ ه.ق)
- ٢٤- كفاية الاحكام (محقق سبزوارى م ١٠٩٠ ه.ق)
- ٢٥- مفاتيح الشرايع (فيض م ١٠٩١ ه.ق)
- ٢٦- كشف اللثام (فاضل هندی م ١١٣٧ ه.ق)
- ٢٧- المصابيح: مصابيح الاحكام (بحرالعلوم م ١٢١٢ ه.ق)
- ٢٨- كشف الغطاء (كاشف الغطاء - جعفر بن خضر نجفى م ١٢٢٨ ه.ق)

- ۲۹- غنایم الايام، جامع الشتات (میرزای قمی م ۱۲۳۲ ه.ق)
- ۳۰- مستند الشیعه (احمد بن محمد مهدی نراقی م ۱۲۴۵ ه.ق)
- ۳۱- جواهر الکلام (نجفی م ۱۲۶۶ ه.ق)
- ۳۲- المکاسب (شیخ انصاری م ۱۲۸۱ ه.ق)
- ۳۳- العروه الوثقی (محمد کاظم بن عبدالعظیم طباطبایی یزدی م ۱۳۳۷ ه.ق)
- ۳۴- مستمک العروه الوثقی (سید محسن حکیم م ۱۳۹۰ ه.ق)
- ۳۵- التنقیح فی شرح العروه الوثقی، مصباح الفقاهه، محاضرات الفقه الجعفری (محقق خوئی م ۱۳۷۱ ه.ق)
- ۳۶- تحریر الوسیله، کتاب البیع، المکاسب المحرمه (امام خمینی م ۱۳۶۸ ه.ق)
- ۳۷- تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (فاضل لنکرانی م ۱۳۸۶ ه.ق)
- اما تاریخ فقهی شیعه دارای فراز و نشیب‌های فراوانی بوده است. که آن را می‌توان به ادوار زیر گوناگون با مدارس و مکاتب مختلف فقهی تقسیم نمود. که از جمله می‌توان به مدرسه قم، مدرسه حله، مدرسه بغداد، مدرسه نجف، مدرسه جبل‌العامل، مدرسه اصفهان اشاره نمود.

فصل دوم:

مفهوم احتکار از منظر فقه و حقوق کیفری

۱-۲- احتکار در لغت

در این مبحث به تبیین واژه «احتکار» پرداخته می شود و معنای این کلمه در لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار خواهد گرفت. واژه «احتکار» از نظر لغوی از ریشه «حکر» به فتح فاء الفعل و سکون عین الفعل گرفته شده است. «حکر» و «حکره» اسم مصدر است.

این اثر در کتاب نهاییه بر این باور است که «مَنْ احْتَكَرَ طَعَاماً فَهُوَ كَذَّابٌ»^۱ یعنی هر کس طعام را خرید و آن را حبس کرد تا کمیاب شده و قیمتش افزایش یابد. لسان العرب در بیان واژه «حکر» می نویسد:

«احتکار، جمع نمودن طعام و حبس آن ها به انتظار گرانی است. به عامل این عمل نیز محتکر گفته می شود»^۲.

ازهری در تهذیب اللغه معتقد است حکر به معنای ظلم و در تنگنا قرار دادن است. گفته می شود فلائی در حق فلائی حکر انجام می دهد، یعنی دشواری و زیان در معاشرت و معیشت او می سازد.^۳

در قاموس المحيط این چنین آمده است که حکر به معنای ستم و بد معاشرتی است و منظور از آن، حبس نمودن جنس به منظور نایاب شدن و گران شدن قیمتش می باشد.^۴ کتاب المنجد ذیل واژه حکر می نویسد:

«حکره یعنی با او بد معاشرتی کرد و در معیشت او دشواری و زیان وارد کرد و در حق او ظلم و ایجاد کمبود و تنگنا روا داشت و از همین قبیل است استبداد به حبس مال التجاره تا موقع خود به قیمت بیشتری فروخته شود»^۵.

پس از آن که معنای واژه «احتکار» در کتب لغت مختلف بیان شد، نتیجه ای که می توان از تعاریف مذکور تحصیل کرد این است که احتکار به معنای ظلم و بدرفتاری و تحمیل مشقت و زحمت به دیگران است. انبار کردن مایحتاج مردم جامعه نیز نوعی ظلم بر آنان بوده و سبب ایجاد ناراحتی و اختلال در روند طبیعی زندگی می باشد. در واقع احتکار به معنای حبس و انبار کردن آنچه چیزی است که در جامعه به آن احتیاج دارند؛ اعم از این که طعام باشد یا هر چیز دیگری که مورد نیاز مردم است.

تمام عناوین باید شماره گذاری شوند: [ar۳۴]

نقل قولها باید در گیومه قرار گیرند و حتما و لزوما باید با ذکر منبع استفاده شوند. ذکر نقل قول بدون منبع و ارجاع دهی اصلا قابل قبول نیست.

نقل قولها بهتر است در پاراگراف جداگانه ذکر شوند: [ar۳۶]

^۱ ابن اثیر، النهایه، ج ۱، ص ۴۱۷

^۲ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۵۶

^۳ ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، ج ۳، ص ۳۱۴

^۴ فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۲

^۵ معلوف، لوییس، المنجد فی اللغه، ج ۱، ص ۱۴۶

۲-۲- احتکار در اصطلاح

برای روشن شدن مفهوم اصطلاحی احتکار باید این واژه از منظر اصطلاح فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. به همین دلیل در ادامه نظرات فقها و حقوقدانان پیرامون احتکار ذکر می شود.

۲-۲-۱- اصطلاح فقهی

پس از روشن شدن معنای لغوی احتکار، حال باید به بررسی معنای اصطلاحی آن پرداخته شود. با توجه به این که تعریفی که حقوق دانان و فقها برای اختلاس بیان نموده اند با یکدیگر متفاوت می باشد، این واژه باید در میان هر دو گروه بصورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

فقها در تعریف احتکار تعابیر مختلفی بکار برده اند. برخی از آن ها احتکار را به معنای حبس و انبار کردن طعام مردم می دانند. برخی دیگر آن را به معنای انبار کردن مایحتاج مردم اعم از طعام و غیر آن می دانند. شیخ انصاری معتقد است: احتکار عبارت است از جمع آوری طعام تا این که قیمت آن بالا رود. در ناپسند بودن این عمل هیچ اختلافی وجود ندارد.^۱ اما شیخ مفید در این باره بر این باور است که احتکار به معنای حبس طعام است در زمانی که اهل شهر به آن ها احتیاج دارند و در تنگنا واقع شده اند. چنین عملی مکروه است.^۲ همچنین شهید اول در تبیین مفهوم احتکار می فرماید:

«احتکار عبارت است از حبس غلات چهارگانه، گندم و جو و خرما و کشمش و روغن؛ که به انتظار گرانی قیمت و در صورت حاجت مردم به این اشیاء نگه داشته و انبار شوند».^۳

با بررسی کلام فقها این نتیجه بدست می آید که احتکار عبارت است از نگهداری هر چیزی که مورد نیاز مردم باشد. مایحتاج مردم را انبار می کنند تا در جامعه کم شود و قیمت آن ها بالا رود. چنین عملی یقیناً یکی از مصادیق ظلم است. زیرا چیزهایی که مردم نیاز دارند را انبار می کنند تا از دسترس افراد خارج شود و نتوانند از آن ها بهره ببرند. این محرومیت موجب ظلم به مردم بوده و جامعه در تنگنا قرار می گیرد.

۲-۳-۱- اصطلاح حقوقی

برای اولین بار در ماده ۱۰ قانون جزایی ایران مصوب ۱۳۱۶ احتکار را بعنوان یک عمل مجرمانه معرفی نمود و در این ماده بیان می دارد:

^۱ انصاری، مرتضی، المکاسب، ج ۴، ص ۳۶۳

^۲ مفید، محمد بن محمد، المقنعه، ص ۹۷

^۳ شهید اول، محمد بن مکی، دروس، ج ۲، ص ۱۸۴

«هر کس کالای انحصاری دولت را تحصیل و احتکار نماید به این نحو که کالای انحصاری را بیش از مقدار مصرف خود از تولیدکنندگان و سایر اشخاص تحصیل نماید و بدین وسیله از دسترس دولت و مصرف کنندگان خارج نماید، به حبس از دو ماه تا یکسال و به تأدیه غرامت از هزار تا ده هزار ریال و یا به یکی از مجازات‌ها محکوم می‌شود»^۱.

براساس ماده مذکور باید گفت احتکار از نظر قانونگذار بدین معناست که فرد کالای مورد نظر را بیش از مقدار نیاز شخصی خودش تهیه کند و آن را از دسترس دولت و مصرف کنندگان خارج نماید. مضاف بر این که احتکار منحصر در کالاهای چهارگانه‌ای که در فقه مورد اشاره قرار گرفت نمی‌باشد و شامل تمامی مایحتاج ضروری زندگی مردم می‌شود.

بنابراین احتکار از منظر حقوقدانان به این معناست که کسی کالای ضروری مورد احتیاج جامعه را زاید بر میزان مصرف خود تحصیل نموده و به منظور ممانعت از فروش به دولت و مردم، آن را پنهان کند. به عبارت دیگر احتکار را می‌توان اینگونه بیان کرد که عبارت است از کاهش دادن یا متوقف کردن جریان توزیع کالا بین مردم. بدین طریق تقاضای مردم افزایش یافته و وضع بازار آشفته می‌شود؛ در نتیجه قیمت کالا بالا می‌رود و احتکار کنندگان از این راه سود هنگفتی بدست می‌آورند.^۲

۳-۲- پیشینه تاریخی حقوقی احتکار

احتکار یک موضوع جدید و نو نمی‌باشد. بلکه بعنوان یک مسئله شناخته شده در جوامع گذشته بشمار می‌رود. احتکار یکی از مشکلات اجتماعی است که از دیرباز در جوامع مختلف وجود داشته است. این مشکل ریشه در حرص و طمعی دارد که در غریزه انسان‌ها وجود دارد و آنان را به سوی زیاده‌خواهی سوق می‌دهد.

تاریخ احتکار کالا مربوط به اولین دوره حیات اجتماعی انسان برمی‌گردد که انسان‌ها در معاملات تجاری خود بدنبال تحصی سود بیشتر بودند. با گذشت زمان و تکامل یافتن عقل بشری، شیوه‌هایی که برای رسیدن به سود بیشتر پیش می‌گرفتند نیز گسترش یافت و احتکار شکل گسترده‌تر و پیچیده‌تری به خود گرفت تا جایی که امروزه تمامی مایحتاج زندگی انسان اعم از خوراک و پوشاک و صنعت و ... را تحت تأثیر خود قرار داده است.^۳

۱. قانون مجازات ایران مصوب ۱۳۱۶، ماده ۱۰

۲ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۶

۳ منتظری، حسینعلی، احتکار و قیمت‌گذاری، ص ۵۰

برای بررسی تاریخچه احتکار در قوانین ایران باید گفت برای نخستین بار پس از مشروطیت در سال ۱۳۱۶ قوانینی برای مجازات محترکان وضع شد. به موجب این قوانین احتکار کالاها را انحصاری دولت جرم محسوب می شد و برای آن هم مجازات هایی را در نظر گرفته بودند. پس از آن در سال ۱۳۱۸ مجلس به دولت این اختیار را داد تا کالاها را ضروری را مشخص نموده و به منظور جلوگیری از احتکار، مقرراتی را وضع کند.^۱

در سال ۱۳۲۰ قانونی راجع به جلوگیری از احتکار تصویب شد که در آن کالاها را مصرفی جامعه را به دو دسته ضروری و غیر ضروری تقسیم نمود و احتکار را در خصوص کالاها ضروری می دانست. در سال ۱۳۶۷ قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان به تصویب رسید که در ماده اول آن بیان می دارد: «احتکار عبارت است از جمع و نگهداری ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم به قصد افزایش قیمت».^۲

۴-۲- مصادیق احتکار

احتکار شامل تمام نیازمندی های انسان می شود. اعم از طعام، دارو، لباس، لوازم خانگی، ابزار آلات شغلی و امثال این ها. البته کلام فقها و روایات بیشتر در خصوص طعام می باشد و بر غذاهای چهارگانه که شامل جو و گندم، روغن، خرما و کشمش می باشد، تأکید می کند. اما نیازهای انسان در زمان حاضر تنها منحصر در طعام و مواد غذایی مذکور نمی شود؛ بلکه امروزه انسان به خوردن، آشامیدن، لباس، مسکن، لوازم آموزشی، دارو، وسایل حمل و نقل، وسایل ارتباطی و... نیازمند است. بنابراین هر آن چه که حس کردن و انبار نمودن آن منجر ضرر رساندن به مردم شود، احتکار بر آن صدق می کند. هر چه نیاز مردم به یک کالا از ضرورت بیشتری برخوردار باشد، می توان گفت گناه آن نیز بیشتر بوده و عقاب شدیدتری خواهد داشت. بدیهی است که ضروری ترین احتیاج مردم به مواد غذایی است. به دلیل این که نوع مواد غذایی مورد مصرف مردم با توجه به شهرها و مکان های مختلف متفاوت است مصادیق احتکار نیز در هر شهر مختلف خواهد بود. بطور مثال در شهرهایی مثل مازندران و رشت که مواد غذایی اصلی آن ها برنج می باشد، احتکار آن حرام بوده، و در شهری دیگر که ماده غذایی اصلی آن ها برنج نبوده و از چیز دیگر مثل گندم به عنوان غذای اصلی روزمره استفاده می کنند احتکار گندم حرام و احتکار برنج حرام نمی باشد.^۳

۱. محقق داماد، مصطفی، تحلیل و بررسی احتکار از نظر فقه اسلام، ص ۱۲۸

۲. همان

۳. اصغری، سید محمد، بررسی فقهی حقوقی احتکار، ص ۶۷

۵-۲- شرایط احتکار

برای تحقق احتکار دو ملاک ذکر کرده اند:

۱. نیاز مردم به کالای احتکار شده

۲. فقدان فروشنده و عرضه کننده دیگری برای این که مردم بتوانند کالا را از او بخرند.

دلیل اعتبار دو شرط مذکور روایت صحیحه حلبی از امام صادق (علیه السلام) می باشد که می فرماید:

حلبی می گوید از امام صادق پرسیدم: آیا مردی که مواد غذایی را احتکار می کند این کار درست است؟

ایشان پاسخ دادند:

«اگر مواد غذایی فراوان باشد اشکالی ندارد و اگر مواد غذایی کم باشد به طوری که مردم در سختی باشند

این کار کراهت دارد و حال آنکه مردم مواد غذایی ندارند»^۱.

در نتیجه از روایت بالا دو شرط مذکور برداشت می شود که در صورت نیاز مردم و نبودن شخص دیگری

که مردم بتوانند آذوقه مورد نیاز خود را از او تهیه کنند، احتکار ممنوع شده است.

۶-۲- احتکار در آیات قرآن

قرآن کریم به صراحت از احتکار سخن نگفته است. تنها آیه ای که می توان گفت در خصوص احتکار سخن

گفته است، آیه ۳۴ سوره توبه است. متن آیه شریفه این چنین است:

«ای کسانی که ایمان آورده اید، بسیاری از علما (اهل کتاب) و راهبان اموال مردم را به باطل می خورند و

(آنان را) از راه خدا باز می دارند و آنها را که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره و پنهان می سازند و در راه خدا انفاق

نمی کنند، به مجازات دردناک بشارت ده»^۲

استدلال به آیه فوق بدین صورت است که خداوند متعال علمای اهل کتاب را از ذخیره کردن طلا و نقره که

مورد احتیاج مردم جامعه است، منع نموده و اعلام می کند که ذخیره و انبار کردن مایحتاج مردم ممنوع بوده و حرام

می باشد. این آیه به صراحت درباره ضرورت حرکت براساس سیاست گذاری تعیین شده از سوی خداوند درباره

^۱ (قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَحْتَكِرُ الطَّعَامَ وَ يَتْرِيصُ بِهِ هَلْ يَصْلُحُ ذَلِكَ قَالَ إِنْ كَانَ الطَّعَامُ كَثِيرًا يَسَعُ النَّاسَ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ قَلِيلًا لَا يَسَعُ النَّاسَ فَإِنَّهُ يُكْرَهُ أَنْ

يَحْتَكِرَ الطَّعَامَ وَ يَتْرِكَ النَّاسَ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ) حرّاعلمی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲۴، باب ۲۷

^۲ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرَّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيُصَدِّقُونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ) توبه، ۳۴

آیات و روایات باید با فونت بی بدر ۱۴ نازک Commented [ar۳۷]:
تایپ شوند

از متن عربی آیه و روایت به همراه ترجمه آن Commented [ar۳۸]:
به صورت همزمان در بدنه اصلی مقاله استفاده نکنید. با توجه به اینکه مقاله به زبان فارسی نوشته می شود، بهتر است ترجمه در متن اصلی ذکر شود و متن عربی آن در پاورقی

گردش سرمایه و پول سخن می گوید.^۱ عده ای از مفسران ادعا کرده اند تعدادی دیگر از آیات در خصوص مسئله احتکار است، اما در اثبات مدعای خود موفق نبوده اند. به برخی از آیات در ادامه اشاره می گردد. یکی از آیاتی که ادعا می شود درباره احتکار می باشد، آیه ۸۸ سوره یوسف است. خداوند در این آیه شریفه می فرماید:

«هنگامی که آنها (برادران یوسف) بر او (یوسف) وارد شدند، گفتند: ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی (ضر) فرا گرفته و متاع کمی (برای خرید مواد غذایی) با خود آورده ایم، پیمان ما را به طور کامل وفا کن و بر ما تصدق بنما که خداوند متصدقان را پاداش می دهد.»^۲

استدلال به آیه فوق بدین شکل است که کلمه «ضُر» که درباره برادران یوسف (علیه السلام) می باشد، نیاز شدید آن ها به طعام را نشان می دهد. به عبارت دیگر می توان گفت برادران یوسف منظورشان این است که چون ما به گندم نیاز داریم و شما هم آن را در انبار خود دارید، اگر به ما گندم ندهید در حقیقت محکرم هستید.^۳

در رد استدلال فوق گفته شده مراد از «ضُر»، طعام و گندم نیست؛ بلکه معنای آن اعم است از نیازمندی به خوراک، پوشاک و ... بنابراین استدلال به آیه مذکور برای احتکار صحیح نمی باشد.^۴

برخی دیگر از مفسرین با توجه به این که احتکار با مسئله گرانفروشی و کم فروشی در ارتباط بوده و هدف از احتکار نیز گران فروختن کالا می باشد، آیاتی از قرآن کریم که به گرانفروشی اشاره کرده اند را به احتکار نیز ربط می دهند. تعدادی از این آیات در ذیل بیان می گردد. یکی از آیاتی که در خصوص گرانفروشی و کم فروشی مطرح شده است، آیه ۳۵ سوره اسراء می باشد. خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

«چون چیزی را پیمان کنید، پیمان را کامل گردانید و با ترازوی درست وزن کنید که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است»^۵

^۱ حکیمی، محمدرضا، الحیاء، ج ۵، ص ۶۲۳

^۲ (فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأَهْلْنَا الضَّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعٍ مُّزْجَاءٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ) يوسف، ۸۸

^۳ قطب راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن، ج ۲، ص ۵۳

^۴ فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، ص ۴۳

^۵ (وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا) اسراء، ۳۵

قسطاس به معنای ترازوی دقیق است که هرگز در وزن و اندازه گیری خیانت نمی کند. این که خداوند در آیه فوق می فرماید وزن کردن با ترازوی دقیق برایتان بهتر است، به این دلیل است که کم فروشی یک نوع دزدی بحساب می آید؛ مضاف بر این که وزن کردن با ترازوی دقیق باعث جلب اطمینان و اعتماد مردم می شود. بنابراین اگر کم فروشی انجام گیرد، زندگی انسان مختل می شود و امنیت عمومی از بین می رود.^۱

در بیان اهمیت کم فروشی و گرانفروشی همین بس که خداوند یکی از سوره های قرآن کریم را به نام کم فروشان نامگذاری کرده است. سوره مبارکه «مطففین» که به معنای کم فروشان می باشد. خداوند در آیات ابتدایی این سوره می فرماید:

«وای بر کم فروشان. آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، حق خود را بطور کامل می گیرند. اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند. آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند. در روزی بزرگ. روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند»^۲

(مطففین) از ماده (تطفیف) در اصل از (طف) گرفته شده که به معنی کناره های چیزی است، به پیمانه ای که پر نباشد یعنی محتوایش به کناره های آن رسیده اما مملو نشده است نیز همین معنی اطلاق می شود، و واژه در کم فروشی استعمال می شود. (ویل) به معنای عذابی دردناک است که معمولاً برای نفرین و بیان قبیح بودن یک کار بکار می رود. این آیات در حقیقت یک نوع اعلان جنگ از سوی خداوند است به افراد کم فروش. در واقع آن ها را تهدید می کند؛ زیرا این دسته از انسان های ظالم حق مردم را پایمال می نمایند.^۳

۲-۷- احتکار در روایات

در روایات بسیاری به مذمت احتکار پرداخته شده است. دلیل این امر می تواند آن باشد که احتکار به پیکره اقتصاد جامعه آسیب جدی وارد نموده و مردم را در تنگنای شدیدی قرار می دهد. به همین علت از این کار منع شده است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی می فرماید:

^۱ طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۱۳، ص ۱۲۵

^۲ «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱) الَّذِينَ إِذَا أَكَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲) وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۳) أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴) لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۵) يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶)» مطففین، ۱-۵

^۳ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۸۹

«الْجَالِبُ إِلَى سَوْقِنَا كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُحْتَكِرُ فِي سَوْقِنَا كَالْمُلْحِدِ فِي كِتَابِ اللَّهِ»^۱

پیامبر اسلام^۶ در روایت فوق به صراحت بیان می‌دارد که کسی که کالایی را وارد بازار می‌کند مانند کسی است که در راه خداوند جهاد می‌کند، و کسی که کالایی را در بازار احتکار می‌کند همانند کسی است که در کتاب خدا کافر محسوب می‌شود. در واقع انسان محتکر را در زمره کفار بحساب می‌آورد. در روایت دیگری رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«مَنْ احْتَكَرَ الطَّعَامَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ تَصَدَّقَ بِهِ لَمْ تَكُنْ صَدَقْتَهُ كَفَّارَةَ الْاِحْتِكَارِ»^۲

در روایت فوق به این نکته اشاره شده است که اگر کسی کالایی را چهل روز احتکار نماید و پس از آن، کالا را صدقه بدهد، این عمل کفاره گناه احتکارش نمی‌شود. با وجود این که صدقه یکی از اعمالی است که ثواب بسیاری برای آن در نظر گرفته شده است، اما گناه احتکار کردن مایحتاج زندگی مردم، به قدری سنگین است که اگر محتکر تمام اموال احتکار شده را در راه خدا صدقه بدهد، باز هم گناه احتکار او جبران نخواهد شد. احتکار در صورتی محقق می‌گردد که انسان طعام نایابی را بخرد و آن را انبار کند، در حالی که این طعام را به جز شخص محکر، فرد دیگری در اختیار ندارد تا آن را بین مردم تقسیم نماید. ولی اگر در سایر شهرها این طعام موجود باشد و مردم توانایی تهیه آن را از شهرهای دیگر داشته باشند، احتکار مانعی ندارد.

از مجموع روایات مذکور که تنها بخشی از روایات متعددی بود که در خصوص مذمت و نکوهش احتکار وجود دارد، این نتیجه حاصل می‌شود که انسان در مسیر زندگی خود باید با دیگران ارتباط اقتصادی برقرار نماید و نیازهای دیگران را در حدّ توان خود برطرف سازد. از این رو حق ندارد افراد دیگر را از بهره‌مند شدن از مایحتاج زندگی خودشان محروم سازد.

۸-۲- عناصر جرم احتکار

برای تحقق بزه احتکار تحقق سه عنصر قانونی، مادی و معنوی ضروری است. در ادامه به بررسی ارکان و عناصر تشکیل دهنده جرم احتکار پرداخته می‌شود.

^۱ پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۴۳۲، ح ۱۳۱۷

^۲ فیض کاشانی، محمد، المحجّه البیضاء، ج ۳، ص ۱۶۶

۱-۸-۲- عنصر قانونی

نخستین عنصر تشکیل دهنده بزه احتکار، عنصر قانونی آن است. در ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور اعمالی که دارای وصف مجرمانه هستند را بیان نموده است و در بند دوم از این ماده می گوید:

«اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی های مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آن ها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود آن ها، جرم محسوب می شود»^۱.

۲-۸-۲- عنصر مادی

رکن دیگری که در تحقق جرم احتکار اهمیت دارد، رکن و عنصر مادی آن است. جرم احتکار شامل دو رفتار می شود: یک رفتار آن فعل ست و دیگری ترک فعل است. به عبارت دیگر یک فعل ننگه داری و انبار کالا باید انجام گیرد و یک ترک فعل خودداری از عرضه آن کالا به بازار. برای جرم انگاری احتکار تحقق هر دو رفتار مذکور ضرورت دارد. مرتکب این رفتارها هر کسی می تواند باشد. به بیان دیگر جرم احتکار همانند اختلاس نیست که اختصاص به گروه خاصی داشته باشد. بلکه هر فردی در هر جایگاهی که قرار داشته باشد می تواند این بزه را انجام دهد.^۲

۳-۸-۲- عنصر معنوی

منظور از عنصر معنوی، وجود قصد مجرمانه است. به بیان دیگر می توان گفت وجود یک عمل مادی برای تحقق جرم احتکار کفایت نمی کند و بزهکار باید از نظر روانی نیز قصد انجام چنین جرمی را داشته باشد و با قصد مجرمانه و بصورت عمدی اقدام به ارتکاب بزه نماید. بنابراین اگر بصورت غیر ارادی و یا از روی خطا مرتکب عمل مجرمانه شود، به او مجرم گفته نمی شود؛ زیرا فاقد عنصر معنوی است. در نتیجه شخص محتکر باید با سوء نیت اقدام به این کار کرده باشد. این سوء نیت هم اعم است از سوء نیت عام و خاص. مراد از سوء نیت عام این است که مرتکب قصد نگهداری و انبار کردن کالا بصورت انبوه را داشته است. منظور از سوء نیت خاص نیز این است که وی به قصد گران فروشی و اضرار به مردم این عمل را مرتکب شده است. در صورت اثبات سوء نیت، می توان عمل محتکر را جرم تلقی کرد و او را مجازات نمود.^۳

^۱. قانون نظام صنفی کشور، ماده ۶۰

^۲ ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، ص ۲۱۳

^۳ همان، ص ۲۱۹

۹-۲- جمع بندی مطالب فصل

در ابتدا روشن گردید که مراد از اختلاس در لغت این است که مال دیگری را به سرعت بر باید در حالی که مالک مال نیز غافل است. در اصطلاح فقهی نیز مراد از اختلاس این است که مال دیگری را بصورت علنی در خیابان ها و معابر بدزدد. اما در تعریف حقوقی این بزه اینچنین گفته شده که عبارت است از تصاحب و ربودن اموال متعلق به دولت یا اشیاء سپرده شده به یکی از کارکنان دولتی، مأموران خدمات عمومی یا نهادهای انقلابی توسط آنان. سپس به بررسی آیات و روایاتی که در خصوص اختلاس مطرح شده اند پرداخته شد.

پس از آن به بررسی مفهوم احتکار پرداخته شد و روشن گردید که معنای لغوی احتکار این است که طعام را در جایی جمع و انبار کند به این امید که وقتی گران شد آن ها را به بازار برده و بفروشد. در اصطلاح فقهی مراد از احتکار این است که مایحتاج زندگی مردم را حبس نماید تا زمانی که قیمت آن ها افزایش یابد بتواند با فروش آن ها سود بسیاری بدست آورد. از دیدگاه حقوقی این جرم این گونه تعریف می شود که کسی کالای ضروری مورد احتیاج جامعه را زاید بر میزان مصرف خود تحصیل نموده و به منظور ممانعت از فروش به دولت و مردم، آن را پنهان کند تا قیمت کالا بالا رود و احتکار کنندگان از این طریق سود هنگفتی تحصیل کنند.

پس از آن به بیان موارد احتکار و شرایط احتکار پرداخته شد و مشخص شد که موارد احتکار را نمی توان منحصر در غلات چهارگانه کرد برخلاف برخی از فقها؛ بلکه هر چیزی که مایحتاج ضروری مردم باشد احتکار در مورد آن صدق می کند. برای تحقق احتکار نیز دو شرط لازم است: اول این که مردم به کالای احتکار شده نیاز داشته باشند و شرط دیگر این که کس دیگری برای عرضه و فروش آن کالا به مردم وجود نداشته باشد. سپس به بررسی آیات و روایاتی که در خصوص احتکار بیان شده اند پرداخته شد.

در پایان این فصل نیز توضیحی پیرامون حقوق کیفری داده شد و مشخص گردید حقوق کیفری بر دو قسم عمومی و خصوصی است که در حقوق کیفری عمومی به بررسی مفهوم جرم، عناصر جرم، انواع جرایم و ... پرداخته می شود؛ حقوق کیفری خصوصی نیز به بررسی اختصاصی جرایمی مانند قتل، سرقت، جاسوسی و ... می پردازد.

فصل سوّم:

مفهوم اختلاس از منظر فقه و حقوق کیفری

۱-۳- اختلاس در قرآن

قرآن در آیات متعددی خیانت در امانت را یک عمل زشت و قبیح دانسته و از آن نهی می کند. به طور مثال در آیه ۵۸ سوره نساء می فرماید:

«خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید...»^۱

آیه مذکور زمانی نازل شده است که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر کفار پیروز شده و وارد مکه گشته بود. در آن هنگام عثمان بن طلحه کلیددار کعبه بود. کلیدداری کعبه نیز در بین اعراب از جایگاه برجسته ای برخوردار بود. رسول خدا کلید کعبه را از عثمان گرفت و بت هایی که داخل کعبه بودند را نابود ساخت. پس از آن، عباس، عموی ایشان نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت و از او درخواست کرد مقام کلیدداری کعبه را به او بسپارد. هدف او از این درخواست این بود که بتواند از جایگاه سیاسی و اجتماعی کلیدداری خانه خدا به نفع خود استفاده نماید. ولی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) این کار را انجام نداد و کلید را دوباره به عثمان بن طلحه بازگرداند.^۲

گفتنی است اگرچه آیه فوق از شأن نزول خاصی برخوردار است، اما می توان یک حکم عمومی را از آن استخراج نمود و آن هم این است که خداوند به همگان دستور می دهد امانت ها را به صاحبان خود بازگردانید. امانت معنای وسیع و گسترده ای دارد و شامل تمامی سرمایه ها و اموال مادی و معنوی می شود. بر همه انسان ها واجب است نسبت به امانتی که در دستشان قرار دارد متعهد باشند؛ اعم از این که آن امانت متعلق به یک فرد باشد یا یک جامعه؛ همانند بیت المال مسلمانان. بنابراین کسی که اموال دولتی در دست اوست باید از آن به خوبی محافظت نماید تا گرفتار خیانت در امانت نشود.^۳

آیه دیگری که از خیانت در امانت نهی می کند، آیه ۲۷ سوره انفال است که می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده اید! می دانید که نباید به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خیانت کنید و در

امانت خیزید.»^۴

^۱ (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا). نساء، ۵۸

^۲ طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۲، ص ۲۲۶

^۳ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۶۴

^۴ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) انفال، ۲۷

واضح است که آیه فوق از خیانت در امانت نهی می کند. این نهی به یک نوع از خیانت که خیانت در امانت خداوند و رسولش (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشد تعلق گرفته است که شامل خیانت در امانت مؤمنین هم می شود. چون امانت اقسام مختلفی دارد که یک قسم آن امانت رسول خداست در میان مسلمانان، قسم دیگر آن امانت خداوند است در نزد مردم و قسم دیگر آن هم امانت مردم است بین یکدیگر. برخی از امانات نیز میان خدا و رسولش و مؤمنین مشترک است مانند دستورات و اسرار جنگی که اگر فاش شوند به ضرر امت اسلامی و حکومت مسلمانان خواهد بود. بنابراین خیانت در این قسم از امانت، خیانت به خدا، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و مؤمنین می باشد. در واقع هم به خداوند خیانت کرده، هم به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خیانت کرده و هم به خودش و سایر برادران دینی اش.^۱

خیانت در بیت المال مسلمانان نیز به نوعی هم خیانت به حاکم اسلامی است که به او اعتماد کرده و او را متصدی بیت المال قرار داده است، هم خیانت به تمامی مسلمانان محسوب می شود. بنابراین آیه فوق شامل این دسته از افراد نیز می شود.

۲-۳- اختلاس در روایات

در روایات بسیاری خیانت در امانت به شدت مورد نهی قرار گرفته است و از آن بعنوان یکی از گناهان کبیره نام برده می شود. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

«نشانه منافق سه چیز است: هنگام سخن دروغ می گوید، و بهنگامی که وعده می دهد تخلف می کند و بهنگامی که امانتی نزد او بگذارند خیانت می نماید، چنین کسی منافق است هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند.»^۲

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یکی از نشانه های انسان منافق را خیانت در امانت می داند و می فرماید اگر کسی در امانتی که نزد اوست خیانت کند، جزء منافقین بشمار می رود. همچنین در روایت دیگری می فرماید:

«از ما نیست کسی که امانت را کوچک بشمارد و از آن مواظبت نکند و در معرض تلف شدن قرار بدهد و از ما نیست کسی که در باره خانواده و اموال مسلمانان خیانت کند»^۳

^۱ طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ج ۹، ص ۷۰

^۲ (آیهُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذِبًا، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا اتَّعَمَّنَ خَانَ، وَإِنْ صَامَ وَصَلَّى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ). ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ص ۲۹۸

^۳ (لَيْسَ مِنَّا مَنْ يُحَقِّرُ الْأَمَانَةَ يَعْنِي يَسْتَهْلِكُهَا إِذَا اسْتَوْدَعَهَا وَلَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ مُسْلِمًا فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ). کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۸، ص ۴۱۹

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) کسی که در امانت دیگران خیانت ورزد را مسلمان نمی داند و می فرماید چنین فردی اصلاً از ما نیست. اهمیت امانت داری به حدی است که ائمه معصومین: خیانت در امانت را حتی در حق غیرمسلمانان نیز جایز نمی دانند. عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که روزی پس از نماز نزد حضرت رفتم و از او سؤال کردم:

«برخی از افرادی که با حکومت طاغوت کنونی در تماس هستند، گاه پیش من می آیند و امانتی را نزد من به ودیعه می گذارند. من می دانم که آن‌ها انسان‌های سرکشی هستند. نه اهل خمس هستند و نه دیانت. آیا باز هم بر من واجب است که در حفظ امانت آن‌ها کوشا باشم؟ امام صادق (علیه السلام) به خاطر حساسیت پاسخ، سه مرتبه با دست به سوی قبله اشاره کرد و فرمود: «سوگند به خدای این قبله! سوگند به خدای این قبله! حتی این ملجم که قاتل پدرم، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است، اگر به من امانتی واگذار کند، امانتش را صحیح و سالم به او باز می گردانم»^۱

براساس روایت فوق شخص نسبت به امانتی که از دشمنان اسلام در اختیار وی قرار می گیرند نیز حق خیانت ندارد و باید در حفظ آن تمام تلاش خود را بکار گیرد، تا چه رسد به این که امانتی که به وی سپرده می شود، بیت المال مسلمین باشد. به طریق اولویت در این موارد نیز حق خیانت ندارد.

از روایات مذکور می توان این چنین نتیجه گرفت که خیانت در امانت حرام است. چون مورد نهی صریح قرار گرفته است. همان گونه که امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از خیانت در امانت نهی کرد و فرمود: کسی که در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش برنگرداند و آنگاه بمیرد بر دین من نمرده است و با خدا دیدار می کند در حالی که بر او خشمگین است»^۲

در روایت فوق رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به صراحت از خیانت در امانت نهی فرموده و شخص خیانتکار را خارج از دین اسلام می داند و بیان می دارد که خداوند از او بسیار خشمگین خواهد بود.

در مقاله نباید از عباراتی مانند (ع) (ص) و (س): [ar39] Commented استفاده کنید. بلکه عبارت علیه السلام و ... را باید بطور کامل تایپ کنید.

^۱ (یا ابن رسول الله إن بعض السلاطين يأمننا على الأموال يستودعناها و ليس يدفع إلکم خُسْمُكُمْ أ فتودبها إليهم فقال و رب هذه القبلة ثلاث مرات لو أن ابن ملجم قاتل أبي فأتى أطلبه يستتر لانه قتل أبي أتمنتني على أمانه لأدبها إليه) همان، ج ۸، ص ۴۳۹

^۲ (نهی رسول الله عن الخيانة و قال من خان أمانه في الدنيا و لم يردّها إلى أهلها ثم أدركه الموت مات على غير ملتي و يلقى الله و هو عليه غضبان) مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۳۹۲

۳-۳- نظریات فقها درباره اختلاس

پس از بیان ادله حرمت اختلاس و خیانت در امانت، حال لازم است به بیان نظریات فقها در این مسئله پرداخته شود. دو نظریه مشهور در مورد اختلاس در میان فقها مطرح است. قائلین به نظریه اول که متأخرین فقها مانند شهید ثانی و صاحب ریاض می باشند، معتقدند در صورتی که ربودن مال بصورت مخفیانه و همراه با غفلت مالک باشد و از غیر حرز نیز صورت بگیرد، اختلاس محقق می شود و حرام است.^۱

به نظر می رسد با توجه به روایاتی که در این زمینه وجود دارد که برخی از آن ها در مباحث گذشته بیان شد، ذکر قید ربودن پنهانی برای صدق اختلاس جای تأمل داشته باشد. زیرا ربودن پنهانی مال را سرقت می نامند و اختلاس را بر ربودن آشکار مال اطلاق می کنند. مضاف بر این که ذکر این قید که ربودن مال باید از غیر حرز صورت بگیرد تا به آن اختلاس گفته شود نیز محل اشکال است. زیرا در نصوصی که در خصوص اختلاس وارد شده است به مطلق ربودن آشکار اختلاس اطلاق کرده اند، اعم از این که از حرز باشد یا غیر حرز. بنابراین وجهی برای ذکر این قید که حتما باید از حرز ربوده شود، وجود ندارد.

نظریه دوم که نظریه قدما می باشد بر دو مبنا شکل گرفته است. اول این که سرقت باید آشکار باشد، دیگر این که سرقت در راه و کوچه ها و بدون سلاح و زور باشد. اگر این دو ملاک وجود داشته باشند، اختلاس صدق می کند و حکم به حرمت آن داده و فرد مختلس نیز مجازات می شود.^۲

تفاوت نظریه اول با نظریه دوم در این است که بر اساس نظریه اخیر اختلاس باشد در منظر عموم مردم و بصورت آشکار انجام شود؛ علاوه بر این که اشاره ای هم به حرز و غیر حرز ندارد و مطلق ربودن مد نظر قرار داده است. به نظر می رسد نظریه دوم قول صحیح تری باشد. به دلیل این که تشابه و تطابق بیشتری با روایات و معانی لغوی که برای اختلاس ذکر شده است دارد و همین امر موجب اقوی بودن این قول می گردد. بنابراین می توان گفت در صورتی که سرقت از حرز نباشد و همراه با غفلت مالک مال و به سرعت انجام گیرد، اختلاس محقق شده و حکم به حرمت آن داده می شود.

^۱ شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۸، ص ۳۲۷

^۲ مفید، محمد بن محمد، المقنعه، ص ۲۵۴

۴-۳- بررسی حقوقی اختلاس

برخی از جرایم در حوزه جرائم به عنوان جرائم «یقه سفیدی» شناخته می شوند. جرم اختلاس نیز یکی از آن هاست. مراد از جرائم یقه سفیدی، آن دسته از رفتارهای غیرقانونی یا غیراخلاقی ناقص اعتماد عمومی است که توسط یک شخص یا سازمان ارتکاب می یابد، این اعمال غالباً در جریان فعالیت های شغلی مشروع و توسط اشخاصی که دارای مقام عالی و قابل احترام اجتماعی اند و به نفع شخص یا سازمان انجام می گیرند.^۱ با توجه به این که جرم اختلاس مبتنی بر فریب و نیرنگ بوده و همراه با سوء استفاده از اعتماد دیگران صورت می گیرد، کشف آن را مشکل می سازد. این جرم نیاز به یک فرصت شغلی مناسب دارد تا بتوانند از موقعیت خود سوء استفاده کرده و دست به اختلاس بزنند.

۴-۳-۱- عنصر قانونی اختلاس

یکی از عناصر تحقق بزه اختلاس، عنصر قانونی آن است که در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری ذکر شده است. ماده مزبور بیان می دارد:

«هر یک از کارمندان ادارات و سازمانها و یا شوراها و یا شهرداریها و موسسات و شرکت های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و دارندگان پایه قضایی و به طور قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و ماموریت به خدمات عمومی اعم از رسمی و یا غیررسمی وجوه و مطالبات یا حواله ها یا سهام یا اسناد و اوراق بهادار و سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و موسسات فوق الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و ... مجازات خواهد شد.»^۲

۴-۳-۲- عنصر معنوی اختلاس

سومین عنصری که در تحقق بزه اختلاس شرط می باشد، عنصر معنوی است. با توجه به این که اختلاس بعنوان یکی از جرائم عمدی بشمار می رود، لذا برای تحقق عمدی بودن آن باید این عمل همراه با سوء نیت انجام گیرد و شخص مختلس با قصد آگاهانه اقدام به این بزه کند. بنابراین شخص مختلس باید این جرم را به صورت عامدانه مرتکب شود تا جرم اختلاس محقق شود.

^۱ بنسون، مایکل، جرائم یقه سفیدی، ص ۱۵۸

^۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، ماده ۵

اگر بر اثر بی احتیاطی یا اشتباه در محاسبه توسط مأمور دولت مقداری از وجوهی که بر حسب وظیفه به وی سپرده شده کسر گردد، این عمل مرتکب را اختلاس نمی نامند؛ زیرا قصد مجرمانه و سوء نیت نداشته است. در نتیجه برای تحقق جرم اختلاس لازم است جرم همراه با سوء نیت یا اتلاف عمدی انجام گیرد و این عمل نیز احراز شود. سوء نیت بر دو قسم سوء نیت عام و خاص است؛ سوء نیت عام عبارت است از قصد برداشت و تصاحب اموال و اشیاء به نفع خود و دیگری. سوء نیت خاص نیز عبارت است از تحصیل منفعت برای مرتکب و اضرار به دولت.^۱

۳-۴-۳- عنصر مادی اختلاس

دومین عنصر تحقق جرم اختلاس، عنصر مادی آن است. در رکن مادی این بزه وجود چهار شرط ضروری است و در صورت فقدان این شرایط، عنوان اختلاس بر عمل انجام شده صدق قابل انطباق نخواهد بود. این چهار شرط که عبارتند از: موضوع اختلاس، سمت مرتکب، سبب اختلاس و عنصر ضرر، در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۳-۴-۳-۱- موضوع جرم

در ماده پنج قانون تشدید مجازات که در بالا ذکر شد، موضوع کلی اختلاس را «مال» عنوان کرده است. بنابراین اگر فرد مالی را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده است تصاحب نماید، مختلس نامیده می شود و جرم اختلاس محقق می گردد.

نکته قابل ذکر این است که با توجه به استفاده قانون گذار از واژه «اموال» و کلی بودن این کلمه، اختلاف بوجود آمده است که آیا مراد از مال، اموال منقول است یا اموال غیر منقول؟ و یا مطلق مال مد نظر قانون گذار بوده است؟ برای پاسخ به سؤال مذکور می توان گفت به دلیل این که در معنای فقهی اختلاس گفته شده: «ربودن مال از غیر حرز» و این ربودن هم فقط شامل اموال منقول می شود، در نتیجه موضوع اختلاس را باید منحصر در اموال منقول نماییم.^۲

۳-۴-۳-۲- سمت مرتکب

یکی از شرایط تحقق عنصر مادی بزه اختلاس این است که مرتکب این جرم باید فردی باشد که دارای رابطه استخدامی با ادارات و سازمان های دولتی باشد. زیرا جرم اختلاس از جرائمی است که اختصاص به کارکنان دولت

^۱ شامبیاتی، هوشنگ، جرائم علیه اموال و مالکیت، ص ۱۳۲

^۲ کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات، ص ۱۵۱

دارد. بنابراین در صورتی که شخص اموال دولتی را تصاحب کرده، ولی از کارکنان دولت نباشد عمل وی اختلاس تلقی نمی شود. در ماده پنج قانون تشدید مجازات ذکر شده است که این جرم در مورد چه افرادی تحقق می یابد:

«هر یک از کارمندان ادارات و سازمان‌ها و یا شوراها و یا شهرداری‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و دارندگان پایه قضایی و به طور قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأموریت به خدمات عمومی اعم از رسمی و یا غیررسمی...» هر یک از افراد مذکور در ماده فوق در صورتی که مرتکب بزه اختلاس شوند مشمول مجازات مقرر شده قانون می‌شوند.^۱

۳-۳-۴-۳- سبب اختلاس

یکی دیگر از شرایط عنصر مادی جرم اختلاس این است که اموال دولتی یا اموالی که به مستخدم دولتی یا فردی که در حکم مستخدم دولتی است، تحویل داده شود و آن فرد این اموال را تصاحب نماید. در حقیقت باید گفت قانون گذار برای تحقق جرم اختلاس، عمل تصاحب را شرط دانسته است. مراد از تصاحب این است که شخص، اموال را با قصد مالک شدن بردارد. بنابراین اگر فردی اموال دولت را بدون این که قصد مالکیت داشته باشد بردارد، به این عمل اختلاس گفته نمی‌شود.

۳-۴-۳-۴- عنصر ضرر

یکی از اصلی ترین شرایطی که در تحقق بزه اختلاس از جایگاه خاصی برخوردار می باشد، عنصر ضرر است. به طور کلی می توان گفت عنصر ضرر در تحقق تمامی جرائم اقتصادی از جمله اختلاس تأثیر بسزایی دارد. زیرا این گونه جرائم که اقتصاد جامعه را با خطر مواجه می سازند، مردم را از لحاظ معیشتی در تنگنا قرار می دهند. از این رو هدف از جرم انگاری این جرائم، جلوگیری از ضررهای ناشی از اعمالی است که به جامعه و مردم زیان وارد می کند.^۲

^۱ میر محمد صادقی، حسین، تحلیل مبانی حقوق جزا، ص ۱۸۴

^۲ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی، ج ۱، ص ۲۳۸

۵-۳- جمع بندی مطالب فصل

در فصل دوم به بررسی فقهی حقوقی اختلاس پرداخته شد. در ابتدا اختلاس در کتاب و سنت مورد بررسی قرار گرفت و آیات و روایات مربوط به این مسئله نقد و بررسی شد. سپس نظریات فقها در خصوص این عمل ذکر گردید.

مشخص گردید دو نظریه در این زمینه وجود دارد. نظریه اول بیان میدارد در صورتی که ربودن مال بصورت مخفیانه و همراه با غفلت مالک باشد و از غیر حرز نیز صورت بگیرد، اختلاس محقق می شود و حرام است. نظریه دوم نیز بیان می کند تحقق اختلاس متوقف بر دو مطلب است: اول این که سرقت باید آشکار باشد، دیگر این که سرقت در راه و کوچه ها و بدون سلاح و زور باشد. اگر این دو ملاک وجود داشته باشند، اختلاس صدق می کند و حکم به حرمت آن داده و فرد مختلس نیز مجازات می شود.

در نهایت بیان شد که نظریه دوم قول صحیح تری باشد. به دلیل این که تشابه و تطابق بیشتری با روایات و معانی لغوی که برای اختلاس ذکر شده است دارد و همین امر موجب اقوی بودن این قول می گردد. بنابراین می توان گفت در صورتی که سرقت از حرز نباشد و همراه با غفلت مالک مال و به سرعت انجام گیرد، اختلاس محقق شده و حکم به حرمت آن داده می شود. پس از آن به بررسی حقوقی اختلاس پرداخته شد و روشن شد جرم اختلاس نیاز به سه عنصر قانونی، مادی و معنوی دارد تا محقق گردد. مضاف بر این که این جرم تنها در خصوص کارمندان دولت و خدمات عمومی صدق می کند. در پایان این فصل نیز مجازات اختلاس گران ذکر گردید که در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مقرر شده است.

نتیجه گیری

پس از مطالعه مقاله حاضر این نتیجه بدست می آید که دسته ای از جرائم وجود دارند که به آن ها جرائم اقتصادی گفته می شود. اختلاس و احتکار دو مصداق از مصادیق این جرائم هستند. برای جلوگیری از جرائم مالی و اقتصادی در یک جامعه که در جرم اختلاس مربوط به کارکنان دولت و در جرم احتکار مربوط به عموم افراد می باشد، شخصیت خود فرد نقش عمده ای دارد. علاوه بر این، فضا و بستر جامعه نیز در وقوع یا عدم وقوع این جرائم حائز اهمیت می باشد. اگر کارکنان دولت و بطور کلی تمامی افراد یک جامعه مشکلات فراوان مالی و اقتصادی نداشته باشند، برای جلب منفعت شخصی خود، منافع عمومی را پایمال نمی کنند. حکومت اسلامی وظیفه دارد با استفاده از آموزه های دینی در راستای شکل گیری اقتصاد اسلامی، افراد جامعه را از این موضوع آگاه سازد که حفظ منافع جامعه بر منافع شخصی اولویت دارد.

لازم به ذکر است با توجه به این که از راه اختلاس و احتکار می توان به راحتی به سود فراوانی دست پیدا کرد، از این رو ممکن است برخی افراد نتوانند بر طمع و حرص خود غلبه کرده و در نتیجه دست به ارتکاب این اعمال مجرمانه و غیرانسانی بزنند که موجب ایجاد اختلال در نظام جامعه می شود. در این موارد حاکمیت اسلامی وظیفه دارد با مجرمان برخورد جدی و قاطع داشته باشد تا مانع ضایع شدن حقوق افراد جامعه شود. بطور مثال در خصوص اختلاس گران باید اموالی که از طریق نامشروع تحصیل نموده است را به بیت المال مسلمین برگردانند. همچنین در مورد احتکار کنندگان نیز باید او را مجبور سازند کالای احتکار شده را به بازار عرضه کند تا مردم بتوانند از آن بهره مند گردند.

در قسمت نتیجه گیری باید دستاوردها و حاصل [ar60]: Commented
پژوهش بدون ذکر ادله بیان شود. فقط نتایج به دست آمده ذکر می شود و دیگر نیازی به ذکر منبع و ارجاع دهی نیست.

پیشنهادها

۱. انتخاب مدیران شایسته براساس تخصص به جای انتخاب آن‌ها براساس روابط.
۲. لزوم تعامل بین مدیران و کارکنان در هر سازمان و اداره.
۳. ارزشیابی دائمی کارکنان.
۴. نظارت بر واردات کالاهای ضروری و توزیع آن‌ها در بین افراد.
۵. نظارت بر توزیع کالا به قدرت‌های اقتصادی.
۶. برخورد قاطع (وفق قانون) با محتکران و اختلاس‌گران.

Commented [ar1]: بعد از نتایج تحقیق، پیشنهادهای مدنظر نگارنده (در ارتباط با موضوع) ذکر میشود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، **النهاية في غريب الحديث و الأثر**، چاپ چهاردهم، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۱ ه.ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **الخصال**، چاپ هجدهم، تهران: کتابچی، ۱۳۸۸ ه.ش.
۳. ابن برّاج، عبدالعزیز (قاضی ابن برّاج)، **المهذّب**، چاپ هفتم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ه.ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، چاپ شانزدهم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۹ ه.ق.
۵. اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، چاپ بیست و ششم، تهران: نواندیش، ۱۳۸۲ ه.ش.
۶. ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۱ ه.ق.
۷. اصغری، سید محمد، **بررسی فقهی و حقوقی احتکار**، چاپ دهم، تهران: نشر دانش، ۱۳۸۵ ه.ش.
۸. آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم و درر الکلم**، چاپ ششم، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۳۸۶ ه.ش.
۹. انصاری، مرتضی، **المکاسب**، چاپ سوم، قم: مجمع فکر الاسلامی، ۱۴۲۳ ه.ق.
۱۰. بنسون، مایکل، **جرائم یقه سفیدی**، ترجمه اسماعیل رحیمی نژاد، چاپ اول، تهران: میزان، ۱۳۹۱ ه.ش.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، چاپ یازدهم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۹ ه.ش.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ سی و هشتم، تهران: ابن سینا، ۱۳۸۳ ه.ش.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، چاپ سوم، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۶ ه.ق.
۱۴. حسن بن یوسف (علامه حلی)، **قواعد الأحکام**، چاپ سوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۸ ه.ق.
۱۵. حسینی عاملی، محمد جواد، **مفتاح الکرامه فی شرح القواعد العلامه**، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ه.ق.

در ابتدای فهرست منابع باید قرآن و نهج البلاغه: [ar&f] Commented ذکر شود. این دو، شماره گذاری نمی شوند و با ستاره از سایر منابع متمایز می شوند

سایر منابع باید به ترتیب حروف الفبا مرتب و [ar&f] Commented شماره گذاری شوند.

منابع باید بدین شکل مرتب شوند: [ar&f] Commented نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، نام اثر، نام مترجم، شماره چاپ، محل چاپ، ناشر، سال انتشار

۱۶. حکیمی، محمدرضا، **الحیاء**، ترجمه احمد آرام، چاپ پنجم، تهران: دلیل ما، ۱۳۸۴ه.ش.
۱۷. حلی، ابن ادريس، **السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی**، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ه.ق.
۱۸. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، **شرايع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، چاپ ششم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۸ه.ق.
۱۹. زین الدین بن علی (شهید ثانی)، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، چاپ سوم، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۰ه.ق.
۲۰. ساکی، محمدرضا، **حقوق کیفری اقتصادی**، چاپ ششم، تهران: جنگل، ۱۳۸۹ه.ش.
۲۱. شامیاتی، هوشنگ، **جرائم علیه اموال و مالکیت**، چاپ بیست و سوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹ه.ش.
۲۲. شریعت اصفهانی، فتح الله، **قاعده لاضرر**، چاپ سیزدهم، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ه.ق.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ شصت و ششم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۴ه.ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، **النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی**، چاپ هشتم، قم: نشر دلیل ما، ۱۳۸۹ه.ش.
۲۵. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، **کنز العرفان فی فقه القرآن**، چاپ هشتم، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۳ه.ش.
۲۶. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، **قاموس المحيط**، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ه.ق.
۲۷. فیض کاشانی، محمد، **المحجّة البیضاء فی تهذیب الأحياء**، چاپ چهارم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ه.ق.
۲۸. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، **فقه القرآن**، چاپ هشتم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۸ه.ق.
۲۹. کریمی نیا، محمد، **ماهیت و احکام اختلاس در فقه امامیه**، چاپ دوم، تهران: دانش، ۱۳۹۲ه.ش.
۳۰. کشاورز، بهمن، **مجموعه محشای قانون تعزیرات**، چاپ اول، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۵ه.ش.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، چاپ سیزدهم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۱۵ه.ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، چاپ بیست و چهارم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۹ه.ق.

۳۳. محقق داماد، مصطفی، **تحلیل و بررسی احتکار از نظر فقه اسلام**، چاپ بیست و سوم، تهران: اندیشه نو، ۱۳۸۲ ه.ش.
۳۴. محمد بن مکی (شهید اول)، **الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة**، چاپ ششم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۲۱ ه.ق.
۳۵. معلوف، لوییس، **المنجد فی اللغة**، چاپ سی و دوم، بیروت، دارالشرق، ۱۴۲۱ ه.ق.
۳۶. معین، محمد، **فرهنگ معین**، چاپ سوم، تهران: زرین، ۱۳۸۶ ه.ش.
۳۷. مفید، محمد بن محمد (شیخ مفید)، **المقنعة**، چاپ ششم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ه.ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، چاپ سی و دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۸ ه.ش.
۳۹. منتظری، حسینعلی، **احتکار و قیمت گذاری**، ترجمه محمدی گیلانی، چاپ چهارم، تهران: کیهان، ۱۳۷۵ ه.ش.
۴۰. منصور، جهانگیر، **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ صد و بیست و هشتم، تهران: نشر دیدار، ۱۳۹۸ ه.ش.
۴۱. میرمحمد صادقی، حسین، **حقوق کیفری اختصاصی**، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲ ه.ش.
۴۲. _____، **تحلیل مبانی حقوق جزا**، چاپ بیستم، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۱ ه.ش.
۴۳. میرمحمد صادقی، محمد، **جرائم علیه اموال و مالکیت**، چاپ هشتم، تهران: نشر کوثر، ۱۳۸۷ ه.ش.
۴۴. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، چاپ بیست و سوم، بیروت، دار: إحياء التراث العربی، ۱۳۸۵ ه.ش.
۴۵. نورزاد، علیرضا، **بررسی جرایم اختلاس و تصرف غیرقانونی در اموال دولت**، چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۹ ه.ش.
۴۶. نوری، حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، چاپ دوازدهم، بیروت: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶ ه.ق.